اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**من خیال می‌کردم دیگر از امروز می‌خواهید تعطیل کنید اختیار با خودتان است . عرض کنم بعد از بحث دیروز مرحوم آقای نائینی قدس الله نفسه من مختصرا اصول را بگویم بعد فقه را هم ان شاء الله وارد بحث واجب معلق می‌شوند که در کتاب فصول آمده است ، البته یک مقداری از عبارات فصول را در حاشیه این آقایان آوردند و خوب هم هست آقایان مراجعه کنند دیگر چون بناست خیلی به تفصیل وارد بحث نشویم به همین مقدار اکتفاء می‌کنم .**

**سابقا هم عرض کردم بحث واجب معلق را به یک مناسباتی متعرض شدیم این یک تقسیمی بود مرحوم صاحب فصول انجام دادند واجب را تقسیم کردند به معلق و منجز البته مرحوم نائینی هم در اول کلام ، هم در اثناء کلام تعبیرشان این است که صاحب فصول سه بخشش کردند یعنی تقسیم ثلاثی کردند اوجب مطلق و واجب مشروط و واجب معلق . همین در صفحه‌ی 185 که بنا بود امروز بخوانیم :**

**وسمى ذلك بالواجب المعلق ، وجعله مقابل الواجب المشروط والمطلق ، یک جای دیگر هم در فی ما بعد می‌آید که در مطالب ، چون این تقریبا مجموعه‌ی مطالب ایشان از همین صفحه‌ی 185 که عرض کردم شروع می‌شود ایشان دنبال این مطلب هستند بله و مباحثی را مطرح کردند راجع به این مطلب ، خیلی تکرار می‌کند صفحه 193 مثلا :**

**فعلم من جميع ما ذكرنا : انه لا مجال لدعوى امكان الواجب المعلق ، وان تثليث الأقسام مما لاوجه له ، سه قسم کردند معلق و مطلق و مشروط ، عرض کردم این شاید نائینی نگاه نکرده است ، نمی‌دانم حالا به هر حال شاید برای ایشان نقل کردند کتاب درسی رسمی قوانین بوده شاید در آنجا نبوده ایشان .**

**عرض کردیم صاحب فصول سه قسم نکرده است تعجب است از مرحوم نائینی ، صاحب فصول دو قسم کرده است به یک لحاظ معلق و منجز ، به یک لحاظ مطلق و مشروط دو قسم است هر دویش معلوم شد ؟ اینکه ایشان گرفتند سه قسم و لا مجال لتثلیث الاقسام**

**یکی از حضار : چون در یکی‌اش بین واجب و جوب بحث است .**

**آیت الله مددی : بله حالا غرض اینکه یک تعبیر یک نکته راجع به این مجموعه‌ی از 188 تا 194 ایشان راجع به واجب معلق صحبت کردند و به شدت به صاحب فصول حتی تعابیر اینکه اصلا اینها قابل تصور نیست یک مطلبی هم که ایشان دارد :**

**إن صاحب الفصول قد عمم ذلك بالنسبة إلى المقدمة المقدورة ، یعنی نسبت مقدرات غیر مقدوره هم نگفته است ، این به خاطر توجیهاتی است که می‌شود و دیگر حالا خواندن آن مطلب و ، در حاشیه آورده است ایشان عبارت صاحب فصول را من یک قاعده‌ای را عرض می‌کنم که آن مطلب هم به اصطلاح گرفته بشود .**

**بعد نوشته که بعضی از آقایانی که بعد از فصول بودند وجوب و معلق را قبول کردند لکن گفتند به نحو شرط متاخر گفتند لازم نیست که بگوییم وجوب فعلی است یعنی وجوب معلق آن است که وجوب فعلی باشد ، یعنی مثلا الان اگر مستطیع شد حج بر او واجب است مقدمات را انجام بدهد لکن شرط متاخرش این است که معلوم بشود در روز نهم عرفه می‌تواند در اعمال حج باشد این شرط است به جای وجوب معلق می‌شود به شرط متاخر هم قبول کرد ، بعضی‌ها از راه شرط متاخر بله .**

**و مرحوم نائینی فرق می‌گذارند بین این دو مبنا که آیا به اصطلاح فرق بین شرط متاخر با وجوب معلق چیست فرقش واضح است یعنی احتیاج نداشت . علی ای حال ایشان حاصل اینطور است :**

**يمكن ان تكون مصلحة الوجوب قد تحققت ، ولكن مصلحة الواجب لم تتحقق الا من بعد مضى زمان ، یعنی مصلحت واجب نیست؛**

**كما ربما يدعى ذلك في باب الصوم ، چون صوم از حین فجر است امساک از حین فجر ، لکن اگر جنب بود باید قبل از فجر غسل بکند غسلش باید قبل از فجر ، پس معلوم می‌شود مصلحت وجوب الان هست چون باید غسل بکند مقدمه‌اش را انجام بدهد اما مصلحت واجبش از حین فجر است ایشان این مطلب را هم .**

**بعد ایشان متعرض کلام صاحب وجوب می‌شود و یک فرقی هم در صفحه‌ی 186 بین وجوب معلق و بین شرط متاخر ، واضح است مطالب واضح است :**

**هو ان الشرط في الواجب المعلق انما يكون شرط الواجب ومما يكون له دخل في مصلحته ، اما در خود وجوب مشروط نیست ؛**

**وليس وله دخل في ملاكه. وهذا بخلاف ذلك ، در شرط متاخر ، در شرط متاخر نه این دخیل در خودش است ؛**

**فان الشرط انما يكون شرطا للوجوب ، شرط برای وجوب است لکن متاخر است ، مراد از شرط وجوب یعنی از الان که مستطیع شد حج بر او وجوب پیدا می‌کند لکن شرطش این است ، شرط این وجوب این است که در روز نهم بتواند در عرفه باشد ، از آنجا به اصطلاح، آن تاثیر گذار است و این آقایی هم که**

**چون ایشان می‌گوید این آقایی که این حرف را گفته شرط متاخر را به وجود علمی برگردانده ، این کار صاحب کفایه است که شرط متاخر را وجود علمی ، گفتیم عرض کردیم این مطلب روشن نیست شرط وجود علمی بله ، بعد واضح است مطالبش چون نمی‌خواهم حالا ، بعد ایشان متعرضش می‌شود :**

**فاعلم : ان امتناع الواجب المعلق في الأحكام الشرعية ، که بر نهج القضايا الحقيقية هستند ؛ بمكان من الوضوح ، خیلی امر واضحی است که واجب معلق ممتنع است ، بعد وارد همین بحث می‌شود چون در قضایای حقیقیه تا موضوع محقق نشود حکم فعلی نمی‌شود ، چطور می‌شود موضوع محقق نشود و مع ذلک حکم فعلی بشود ، چون موضوعش چیست اینکه ایشان در روز نهم در عرفه باشد آن وقت چطور می‌شود وجوب از الان محقق بشود با اینکه موضوعش نیامده است دیگر با ایشان بحث می‌کند ؛**

**وليت شعري ما الفرق بين الاستطاعة في الحج والوقت في الصوم ، حيث كان وجوب الحج مشروطا بالاستطاعة بحيث لا وجوب قبلها، وكان وجوب الصوم غير مشروط بالفجر بحيث يتقدم الوجوب عليه ، ایشان می‌گوید در باب صوم شما می‌گویید وجوب قبل از فجر نیست در باب استطاع می‌گویید هست این چه فرقی می‌کند با همدیگر ، خیلی تعجب است از مرحوم نائینی این سنخ اشکالات ایشان خوب ایشان حرفش این است .**

**ببینید آقا اصولا من عرض کردم خدمتتان در قرن اول و دوم بحث فقهی مطرح بود این بحث فقهی همین جور تدرجا مطرح شد مطرح شد تا سعی کردند قاعده‌ی اصولی از آن در بیاورند . مثلا بحث فقهی مطرح بود که اگر شما پدرتان را خریدید آزاد می‌شود ، بحث فقهی مطرح بود که لا عتق الا فی ملک ، بحث فقهی مطرح بود که انسان لا یملک ابویه خوب روایات بود عمل کردند به روایات مشکل ندارد این بعدها آمدند تصویر کردند که این را قاعده‌ای درست کردند برای قاعده‌ای درست کردن ، ملک آناً ما ، این یک مشکل کلی در اصول است دقت کردید ؟ این مشکل باید**

**این مساله‌ی صوم این اصلا خودش یک بحث فقهی است اهل سنت می‌گویند اشکال ندارد بعد از فجر غسل بکند در همین صحیح بخاری دارد عایشه می‌گوید که ما مثلا با رسول الله جنب بودیم بعد از فجر غسل می‌کردیم با رسول الله خود عایشه دارد این در روایات ماست که قبل از فجر است .**

**اول این بحث ، بحث فقهی است این یک ، اگر کسی ، اینکه می‌گوید ما الفرق یکی‌اش این است . دومی‌اش این است که وقتی اگر آمد روایت آمد که باید غسل بکند این دیگر یک توجیه است چون اینها می‌خواهند بگویند که احکام را حسب قواعد درست بکنید اصولشان اینجوری شد حسب قواعد درست کنیم ، حالا که آمدیم حسب قواعد درست کنیم پس اینکه می‌بینیم قبل از وقت ، اینکه ایشان ما الفرق فرقش این است در روایت آمده که شما غسل قبل از فجر بکن پس معنایش این است که وجوب قبل از فجر است معنایش این است دیگر، یعنی آمده این را روشن شد ؟ روی قاعده**

**مثل اینکه گفت احرام قبل از میقات درست نیست مگر با نذر ، با نذر درست است ، خوب چطور می‌شود اگر احرام قبل از میقات ، آمدند گفتند خوب قاعده‌اش این است که اینطور بگوییم احرام قبل از میقات خودش فی نفسه مصلحت داشته ، مصلحت داشته ؛ لکن یک مفسده‌ای برایش بار شده شارع اجازه نداده است . اما اگر نذر کرد آن مفسده ؛ توجیه را دقت کردید ؟**

**خوب بعضی‌ها می‌گویند چرا توجیه بکنیم اینقدر توجیهات ندارد این یک تعبد شرعی است ، شارع گفت قبل از وقت یا حکم عقل است عقل می‌گوید شما از اول فجر باید نیت روزه بکنید و روزه‌تان هم باید با طهارت باشد حالا که جنب هستید پس غسل قبل از وقت بکن خوب این حکم عقل است لازم نیست حرف صاحب فصول دقت کردید ؟**

**یکی از حضار : این مقدمات مفوته و اینها می‌شود**

**آیت الله مددی : ها مقدمات ، این دیگر نمی‌خواهد ، دقت کردید ؟**

**اینکه مرحوم نائینی می‌فرماید ولیت شعری ، لیت شعری هم نمی‌خواهد مرحوم نائینی ، آن یک حکم را دیده توجیه ، روشن شد ؟ پس ما یک مشکل عقلانی داریم اصلا ، اولا آن حکم فقهی باید ثابت بشود ، ثانیا آن حکم فقهی که ثابت شد آن وقت بیافتیم به توجیهش خوب چه داعی دارد بیافتیم به توجیهش ؟ بعد هم ممکن است حکم عقل باشد بگوید آقا از روایت در آوردیم که صوم باید با طهارت باشد بی طهارت نمی‌شود در حال جنابت نمی‌شود وارد صوم بشویم ، خوب طبیعتا از قبل از وقت غسل بکند که ، روشن شد ؟**

**پس این اشکالاتی که مرحوم نائینی ، من بعضی از عبارات ایشان را خواندم دیدم بعد دیگر خیلی ، می‌گویم حدود 10 صفحه ، 12 صفحه بله ، بعد ایشان می‌فرمایند قضایای شرعیه و احکام شرعیه از قبیل قضایای حقیقیه است و در مورد آنها نمی‌شود و اما در قضایای خارجیه ممکن است باز می‌گوید در آنها هم نمی‌شود .**

**بعد در اینجا ایشان می‌گوید که بعضی‌ها خیال کردند وجوب معلق باطل است چون به امر استقبالی خورده است ؛**

**فظهر : ان برهان امتناع ، امتناع ، برهان ، کلمه‌ی برهان هم به کار بردند ، امتناع هم به کار بردند در اعتباریات اینها به شوخی اشبه است؛**

**امتناع الواجب المعلق انما هو لأجل انه لا يمكن ان يكون التكليف مطلقا بالنسبة إلى قيد غير اختياري للمكلف ، بحيث لا يمكن ان تتعلق ارادته به ، بل لابد ان يكون التكليف بالنسبة إليه مشروطا. وليس ، بعضی‌ها آمدند گفتند برهان امتناع واجب معلق امتناع تعلق التکلیف بامر مستقبل ، ظاهرا مستقبلی بیشتر می‌گویند یا به امر استقبالی ، مستقبل ؟**

**کما توهم ، ایشان می‌گوید بعضی‌ها گفتند نمی‌شود واجب معلق چون نمی‌شود وجوب تعلق بگیرد به یک امری که استقبالی است ، ایشان می‌گوید نه این برهان درست نیست این برهان ، خود مطلب باطل است جای برهان ندارد . علی ای ایشان می‌گوید احکام شرعیه اینطوری است و بعد هم متعرض کلماتی که مرحوم شیخ قدس الله نفسه بر واجب معلق مرحوم صاحب فصول اعتراض کرده ، من دیگر اینها را بخواهیم بخوانیم هیچ فایده‌ای هم ندارد خیلی هم طولانی است یک محصل تمامی هم ندارد هم تکرار است هم طولانی است و گفتیم چون می‌خواهد درس هم تعطیل بشود در همان صفحه‌ی 194 ، ایشان بعد وارد یک بحث دیگری می‌شود :**

**ثم انه لا اشكال ، این هم جدا نکردند موضوع بندی نکردند ؛**

**في أن وجوب المقدمات الوجودية يتبع في الاطلاق والاشتراط وجوب ذيها ، کلمه‌ی ذیها درست است یا نه معروف است بینشان که ذی اضافه‌ی به ضمیر نمی‌شود اما در کلمات اصولیین هست حالا ما ، بله این در شعر عربی هم همین است که انما یعرف ذی الفضل ضرور اضافه‌ی به ضمیر شده است ، معروف این است که اضافه نمی‌شود ذی اضافه به ضمیر نمی‌شود خیلی خوب حالا چون غلطی است بین مشهور ما خیلی دیگر ملا نقطی نمی‌شویم به آقایان .**

**علی ای حال تا اینجا تا صفحه‌ی 194 اگر می‌خواهد تعطیل بشود ان شاء الله بعد از تعطیلات از اینجا ، آن وقت این وارد یک بحثی می‌شود که چرا بعضی از مقدمات قبل از وقت ، آن وقت می‌گوید کلمات فقهاء مضطرب است حرف‌هایشان ، این را می‌خواهد توجیه بکند، همین مثال معروف که گفتند اگر کسی قبل از وقت ، قبل از وقت ظهر می‌داند در وقت ظهر آب ندارد ، خاک هم ندارد اما الان آب هست نزدش ، گفتند آب را نریزد تا وضوء بگیرد بعدش مثلا ، اما اگر طاهر است می‌تواند خودش را عمدا مجنب بکند با اینکه می‌داند بعد می‌تواند تیمم بکند ، می‌گوید چه فرقی بین اجناب عمدی هست با ریختن آب دیگر همان مثال‌هایی که ما زدیم در باب ،**

**وارد این بحث می‌شوند ایشان و ایشان می‌گوید کلمات اصحاب : المسألة مشكلة جدا والكلمات فيها مضطربة غاية الاضطراب ، عرض کردم اینها را اگر ما روی قواعد فقهی درست می‌کردیم و روی روایات و ادله به این اشکالاتی که اینها تصور می‌کنند نمی‌رسیدیم و عرض کردیم از این به حساب فقه ملاکات و اینها خودمان را خارج می‌کردیم ؛**

**پس این وجوب معلق اینکه ایشان فرمودند ممتنع است و برهان اقامه شده عرض کردیم هیچ امتناعی ندارد و این سرش را عرض کردیم آقایان روی مباحثی که مربوط می‌شود به اعتباریات درست بحث نکردند نکته‌اش این است اگر بحث کرده بودند هیچ مشکل نداشت عرض کردیم وجوب معلق ، وجوب فعلی باشد ، واجب استقبالی باشد فی نفسه هیچ مشکلی ، احتیاج به این برهان‌ها هم ندارد ، فی نفسه اشکال ندارد انما الکلام در این است که از لسان دلیل در بیاوریم اعتبار به آن بخورد .**

**یک : اعتبار به آن بخورد ، دو : از لسان دلیل در بیاوریم ، به مجرد اینکه گفت شما قبل از فجر غسل بکن از آن در نمی‌آید وجوب معلق از این حکم در نمی‌آید دقت کردید ؟ بر فرض هم حکم که فتوای اصحاب ماست حکم فقهی ثابت شد این قاعده‌ی اصولی از آن در نمی‌آید یا مثلا نذر در باب نذر ، آنجا گفتیم تقیید خورد ، تخصیص خورده است ، تعبد شرعی گفته آن نه .**

**البته ما نذر قبل از میقات را که قبول نکردیم آقایانی که قبول کردند و عرض کردیم این از زمان شیخ طوسی به بعد در فتاوای فقهای ما آمد قبلش اصلا نیست در فتاوای فقهای ما ، در روایات ما هم دو سه تا روایت است که در قرن سوم در کتاب‌های مثل حسین بن سعید و اینها موجود بوده در قرن چهارم هم در کافی و فقیه هم برداشته شده است ، شرح آن را مفصل دادیم .**

**پس اولا خود حکم روشن نیست ، احتیاج به این توجیهی که این ملاکش بوده ، ملاکش نبوده ، نمی‌دانم مانعی بوده ، احتیاج به این ، اصلا سنخ بحث را اگر آقایان عوض بکنند .**

**یکی از حضار : اینها اصلا اصولی نیست**

**آیت الله مددی : آها اینها اصلا بحث اصولی نیست و حیف است آدم وقت خودش را صرف این قسمت‌ها بکنند .**

**عرض کردم مرحوم نائینی اشکال کردند آقایان اینقدر در فروعات استصحاب بحث کردند و در مسائل اداره‌ی جامعه بحث نکردند ، بحث فروعات استصحاب نیست همین فروعات خودش کم از استصحاب ندارد یک بحث‌هایی است که نه فایده‌ی اصولی دارد نه روشن است نه روش بحث درش روشن است ، علی ای حال این مطالبی را که ایشان در اینجا فرمودند قدس الله سره روشن نیست .**

**یک : آیا فی نفسه امتناع دارد ؟ نه تابع جعل است ممکن است جعل بکند وجوب را فعلی لکن این همین که ایشان گفت وقتی که می‌خواهد وجوب فعلی باشد باید یک مصلحتی برای وجوب فرض کند ، یک مصلحتی برای واجب باید تفکیک بکند ، آیا این کار امکان دارد ؟ بله امکان دارد ، امکان اینکه مصلحت قائل به وجوب باشد یک مصلحت قائم به واجب باشد بله . آیا جعل می‌شود کرد ؟ بله چه مشکلی دارد ؟ حتی اگر قائل به مصلحت و مفسده هم نشویم مثل اشاعره ، می‌شود جعل کرد مشکل ندارد .**

**انما الکلام جعل نکته می‌خواهد ، اعتبار نکته می‌خواهد ، آن نکته‌اش را باید در نظر گرفت ، اگر جعل کرد هیچ نکته‌ای برایش مترتب نشد این نمی‌خواهد برهان امتناع این اصلا باطل است این جعل باطل است .**

**یکی از حضار : مقبول نیست .**

**آیت الله مددی : مقبول نیست ، این حرف‌ها امتناع و برهان و برهان امتناع و شما در مواردی**

**و لذا آن آقا آمد گفت بله آقا ما ملتزم می‌شویم به مقدمات حج واجب است لکن از باب شرط متاخر یعنی ببینید از یک راه وارد نشد راه دیگر وارد شد ، ما عرض کردیم قائل می‌شویم از باب مقدمات مفوته ، مقدمات مفوته هم حکم عقل است یعنی عقل مقدمات یک عمل را حساب می‌کند الان در زمان ما که خیلی عادی شده است ، یک کاری را که می‌خواهند شروع کنند بیست سال طول می‌کشد بعضی مقدماتش را امسال انجام می‌دهند ، بعضی مقدماتش را پنج سال بعد انجام می‌دهند ، نگاه می‌کنند طبق جدولی که دارد طبق آن حساب‌هایی که می‌کنند مقدمات مفوته از این قبیل**

**می‌گوید آقا الان تو می‌خواهید بیست سال بعد این برنامه تمام بشود می‌گوید بله لکن این بعضی از مقدمات را امسال باید انجام بدهیم، بعضی از مقدمات را هشت سال دیگر انجام بدهیم ، بعضی ، تا آن بیست سال . این طرح است این اصلا کلیتا یعنی نکته‌ای که در باب مقدمه هست این نکته در مقدمات مفوته هم می‌آید فرقی نمی‌کند لازم نیست که مقدمه الان باشد که من الان وضوء می‌گیرم الان نماز می‌خواهم بخوانم ، این نیست ، در باب مقدمات یک برنامه ریزی دارد و آن سر مقدمات هم ترشح چطور ترشح وجود از ذی المقدمة این بحث ترشح اصلا جا ندارد .**

**عرض کردیم بحث مقدمه را ما اصلا کلا از بحث ترشح و از این حرف‌ها خارج کردیم این یک نکته‌ی عقلائی دارد و آن نکته‌ی عقلائی‌اش این است که در باب اعتبارات قانونی اگر تلازمی بین دو چیز در واقع بود این تلازم منشاء می‌شود در اعتبار هم بیاید بینشان یا نه ، اگر تلازم بود . اگر مثلا گفت برو پشت بام مثلا پشت بام نمازت را پشت بام بخوان خوب پشت بام رفتن احتیاج به به قول آقایان نصب سلم دارد نردبان ، آیا چون پشت بام رفتن احتیاج به نردبان دارد امر که تعلق گرفت به رفتن به پشت بام ، امر تعلق می‌گیرد به لازمش این که با آن ، همراهش است ، که نردبان یا نه ؟ عده‌ای گفتند بله چون با هم تلازم خارجی دارند ، چون تلازم خارجی دارند به اعتبار هم سرایت می‌کند .**

**عده‌ای هم گفتند نه آقا امر اعتباری اینطور نیست گفته برو پشت بام چه کار دارد به نصب سلم ، آن نصب نردبان به تو مربوط می‌شود به آن مربوط نمی‌شود به مقام جعل مربوط نمی‌شود ، آن که به مقام جعل مربوط است برو پشت بام ، حالا طناب بیانداز برو بالا یک کسی معجزه کند هو بکشد یک هویی بکشد تو بروی بالا**

**یکی از حضار : ... فقط نرفتن بالاست نه به خاطر**

**آیت الله مددی : بله به خاطر نصب نردبان آن را نگاه نمی‌کنند .**

**البته عرض کردم به احتمال بسیار قوی این بحث به خاطر آن حالاتی که عبد و مولی دارد مطرح شده است چون عبد اینطوری بوده در اختیار مولی بوده همه کارش را باید ، احتمالا منشائش آن بوده است و لذا از وقتی که تفکر رو به میل قانونی کرده است این حرف‌ها برداشته شده است قانون و اعتبار قانونی این جوری است مصب اعتبار را باید نگاه کرد ، مصب اعتبار برو پشت بام درش ندارد نردبان نصب کن می‌خواست بگوید نردبان می‌گفت نردبان نصب کن ، دقت فرمودید ؟**

**پس بنابراین بحث ترشح و اینهایی که ایشان فرمودند این بحث‌ها مطرح نیست کلا بحث تلازم است و این تلازم وجودی همین طور که مرحوم نائینی هم گفت گاهی امر استقبالی است گاهی و استقبالی‌اش هم فرق می‌کند ، بعضی از مقدمات را می‌گوید سه سال بعد باید انجام بدهید ، بعضی مقدمات را هشت سال بعد باید انجام بدهید ، فلان مقدمه ، چرا چون حساب می‌کنید که این چطوری است مثلا**

**مثل فرض کنید همین طب قدیم هم اینجوری است دیگر فرض کنید یک دارویی را می‌خواهد به شما بدهد یک ناراحتی در روده دارید خوب یک دارویی به شما می‌دهد که ماده‌ی موثرش مثلا محدود باشد به روده چون در روده باز می‌شود تاثیر ، اما یک وقتی یک دارویی می‌خواهد به شما بدهد که ماده‌ی موثرش که بین استخوان‌های سینه است که ذات الریه به آن می‌گویند قدیمی‌ها ذات الریه این است اصطلاح ذات الریه آقایان چیز دیگر می‌گویند ذات الجمع به آن می‌گویند خوب این می‌گوید این باید در روده از روده برود در کبد از کبد برود به گردش خون این باید بچرخد در بدن این همین طوری که در بدن می‌چرخد اثرش کم می‌شود ما باید یک مقدار دارو بدهیم که تا آخری که می‌خواهد تا آنجا برسد این مقدار ، رسمش است اصلا ، دقت کردید ؟**

**امروزی‌ها این کار را نمی‌کنند ، چرا ؟ چون مستقیم وارد خون می‌کنند به این فکر نمی‌کنند ، این برنامه ریزی و طراحی کردن یک امر عقلائی است این باید چقدر انجام بدهیم ؟ آن مثلا می‌گفت این ماده‌ی موثر را باید این قدر چرا نوشتند در کتب طب قدیم چون این می‌خواهد در فلان عضو اثر بکند ، بعضی وقت‌ها می‌دیدند این طول می‌کشد یک دارویی از خارج رویش می‌دادند رطول و این جور چیزها یک چیزی رویش می‌گذاشتند از خارج که اینقدر طول نکشد .**

**امروزی‌ها آمدند کار را عوض کردند سرم وصل می‌کنند مستقیم وارد خون می‌شود .**

**یکی از حضار : یا داخل خمیر می‌گذاشتند .**

**آیت الله مددی : یا در خمیر ، یا مثلا بعضی از الی آخر اقسام دقت کردید ؟**

**این طرح و برنامه ریزی یک امر عقلائی است یک امر جدیدی نیست دقت می‌کنید ؟ نگاه می‌کنند محاسبه می‌کنند از راه خون یک مقدار ماده‌ی موثر وارد می‌شود این از راه خوراک باشد آن جای بدن را حساب می‌کنند این از کجا می‌ریزد ، از دهان می‌گذرد می‌رود در معده از معده با اسید معده آمیخته می‌شود می‌رود در روده ، در روده چنین می‌شود بعد می‌رود تصفیه می‌شود می‌رود در کبد چه مقدارش در کبد می‌ماند چه مقدارش در گردش ، محاسبه می‌کردند پس شما باید این مقدار مصرف بکنید تا بتوانید آن اثر را بگذارد دقت می‌کنید ؟ اما آن داروی دیگر را اینقدر ، این رسمش است الان هم همین کار را می‌کنند هیچ فرقی نکرده است دقت می‌کنید ؟**

**پس این مطلبی که ایشان فرمودند در اینجا قدس الله سره قابل قبول نیست ، وجوب معلق امکان دارد مهمش دلیل می‌خواهد اینکه در باب حج بگوییم وجوب معلق است آن ثابت نیست آن از باب مقدمات ، شرط متاخر هم ثابت نیست که ایشان گفته است ، این نکاتی را که ذکر شد ؛**

**در باب صوم هم یا ممکن است تعبد باشد یا همین حکم عقل که شما چون مکلف هستید که روزه از اولش با طهارت باشد پس شما غسل را قبل از وقت انجام بدهید و لذا بعضی از آقایان هم اشکال کردند که اگر نمی‌تواند غسل بکند تیمم نگیرد اشکالشان سر این بوده ما دلیل نداریم که تیمم هم باید در روزه باشد شرط باشد مثل غسل ، تیمم بدل از غسل .**

**و لذا در آنجا دلیلی ندارد که تیمم حتما قبل از وقت باشد الی آخر بحث‌های فقهی که من نمی‌خواهم الان متعرض بشوم .**

**علی ای حال و اشکال هم کردند که اطلاقات تیمم شامل ورود در روزه نمی‌شود اصلا مربوط به نماز است به روزه و الی آخر ، این بحث‌‌های فقهی جای خودش است اینکه از اینها ما یک قاعده‌ی اصولی حتما استخراج کنیم جای خودش .**

**و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**